



معصومیت است که آن را بسیار استادانه با اتکا به نت پایین در بیانش لحاظ می کرد که از این رو ناظران بیشتر مناسب نقش های مثبت بود. اما روی دیگر قضیه این بود که وی می توانست این معصومیت را با حجم زیادی از عشوه و فریبندگی مخلوط کند و از این رو از این من مؤلفه در جهت اغواگری بهره ببرد که با این تکنیک مناسب برای نقش های منفی ومپ (وبرانگر) هم می شد. این تنوع لحن را به طور مناسبی می توان در دو دوبله فیلم «خون و شن» (روبن ماملیان) مشاهده کرد.

در دوبله اول که برای پخش از تلویزیون ملی توسط عطا کاملی کار شده بود وی به جای ریتا هیورت که نقشی اغواگر دارد و زنی بوالهوس می باشد حرف زده، و با یک درجه بم تر کردن صدا و افزودن ته رنگی از خیانت به خوبی ویژگی های منفور کاراکتر را گسترش داده است. اما در دوبله دوم به مدیریت خسرو و خسروشاهی، ناظران به جای لیندا دارنل، قهرمان مثبت، حرف زده که ویژگی هایی کاملا متفاوت بروز می دهد. این جا وی با کمی نازک تر کردن صدا و تراشیدن آن برای جفت و جور شدن با سن کاراکتر، با افزودن میزان قابل توجهی از معصومیت و خلوص، به خوبی در جلد این کاراکتر ساده عاشق پیشه فرورفته است. ناظران در آفرینش سنین مختلف در صدا هم توانمند بود و حنجره اش این ویژگی را داشت که به خوبی بم یا نازک شود که به این طریق جنس صدا متناسب با نقش دخترانه و زنانه می شد. کافی است که به نقش گویی وی در فیلم های «جاده» (به جای جولیتا ماسینا) و «جهنم زیر رو» (به جای استلاستینوز) نگاهی بیندازیم که چطور ناظران استادانه جای دو طیف مختلف سنی این قدر باورپذیر حرف زده است که در اولی با چهره ای جوان و بچه صورت و در دومی با صورتی چین خورده و میانسال طرف هستیم.

یکی دیگر از ویژگی های ناظران این بود که می توانست نقش های سخت و پرفراز و نشیب احساسی را هم با مهارت کافی بگوید. در داد زدن ها و نت های بالای گویندگی، ناظران با افزودن نوعی خش و رگه به صدای شفافش، استیصال را هم آرمانی ادا می کرد که اوج این خصلت را در گویندگی به جای فائقه آتشین (گوگوش) در فیلم معروف «در امتداد شب» می بینیم. در آن سکانسی که به پروانه (گوگوش) قبل از اجرای برنامه خبر سرطان معشوقه نوجوانش (سعید کنگرانی) را می دهند به ناگاه کاراکتر با فریادی عصبی و بلند می گوید: «نمی تونم... آخه چرا من؟!.. چرا؟!» که در انتها به عجز و گریه هم می رسد. او در خندیدن هم یک استاد به تمام معنا بود و می توانست بسیار سرخوشانه و با شیطنت، خنده های ریز و بلند را انجام دهد که اوج این ویژگی را در دوبله ماندگار فیلم «دختر خداحافظی» به مدیریت منوچهر نودری می بینیم که ناظران به جای مارشا میسون حرف زده است و به واقع در کنار ناصر تهماسب (ریچارد در یفوس) می درخشد که البته این فیلم یکی از اوج های کاری وی هم محسوب می شود.

اما در کنار تمام این خصلت ها، یک ویژگی استثنایی در کار ناظران می بینیم که به نوعی برند وی و تخصص اصلی اش هست و آن لحاظ کردن «تردید عاطفی» در بیانش می باشد. بانو ناظران می توانست مدتی طولانی با مهارت، نوعی شک و تردید و دودلی عاشقانه را در راکورد حسی گفتارش لحاظ کند و این کار را با لرزش هایی خاص و بازی هایی چندگانه با فرکانس های صوتی اش انجام می داد. از این رو اغلب نقش های شاخصی که از وی به یادگار مانده این خصلت را به صورت پررنگی دارا هستند مثل لی رمیک («رودخانه وحشی»)، جون فونتین («ربه کا»)، تالیا شایر («راکی»)، مارشا میسون («دختر



**یک ویژگی استثنایی در کار ناظران می بینیم که به نوعی برند وی و تخصص اصلی اش هست و آن لحاظ کردن «تردید عاطفی» در بیانش می باشد. بانو ناظران می توانست مدتی طولانی با مهارت، نوعی شک و تردید و دودلی عاشقانه را در راکورد حسی گفتارش لحاظ کند**

خداحافظی»)، آلیدا والی («مرد سوم»)، مورین اوهارا («دره من چه سرسبز بود»)، جنیفر جونز («جدال در آفتاب»)، مریل استریپ («کریمر علیه کریمر»)، جین وایمن («باغ وحش شیشه ای») و... که تمامی این کاراکترهای زن هر کدام به نوعی متفاوت در ارائه احساسات عاشقانه شان دودل هستند و ذهن شان در گیر این قضیه است و البته شاهبیت تمام این کاراکترها، اینگرید برگمن به نقش الیزا لاند در شاهکار مسجل تاریخ سینما یعنی فیلم «کازابلانکا» است. به طور قطع ارائه این مؤلفه، برگ برنده اصلی گویندگی ناظران است که در بین هیچ کدام از دوبله های زن بزرگ تاریخ دوبله، به این درجه از تأثیر پذیری، یافت نمی شود.

ناظران، حروف نقطه داری مثل «شین» و «ز» را با تشدید فراوان می گفت و روی نقطه هایش تکیه می کرد که این خصلت می توانست نوعی نقطه ضعف و نقصان محسوب شود اما وی ماهرانه این نقص را تبدیل به نوعی نشانه شناسی در گویندگی اش کرد و از آن بهره دراماتیکی برد.

ناظران، در دوبله فیلم های ایرانی قبل از انقلاب موسوم به «فیلمفارسی» هم بسیار پرکار و از ارکان اساسی بود و خیلی سریع توانست آداب و تکنیک این نوع دوبله ها را هم فرا بگیرد. در نیمه اول دهه ۴۰ که صدایی متفاوت و دخترانه داشت وی گوینده ثابت بازیگرانی چون نیلوفر و مرجان در تعداد زیادی از آثارشان بود و در دهه ۵۰ جای بازیگران متفاوتی چون شورانگیز طباطبایی («دو کله شقی»، «دکتر و رقصه»، «پاشنه طلا»)، جمیله («کج کلاه خان»، «گل پری جون»)، مستانه جزایری («صمد آرتیست می شود»)، لیلا فروهر («کل خشکشان»)، مینواریشمی (سریال «دای جان ناپلئون») و... البته فائقه آتشین یا گوگوش («در امتداد شب»، «همسفر»، «ماه عسل» و...) حرف